

۶۷۳۸۴۰

۴/۱۰

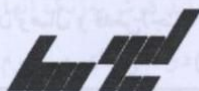
فریبکاری

به قلم:

برایان هال

برگردان:

مرجان فرجی



انتشارات لیوسا

Hall, Brian

هال، بریایان
فریبکاری / برایان هال / مرجان فرجی
ص ۱۴۴

Manipulation

فریبکاری - جنبه‌های روان‌شناسی
BF ۶۳۷
۱۵۵/۹۲
۶۰۶۱۵۸۳

سرشناسنامه

عنوان و نام پدیدآور
مشخصات ظاهری
عنوان اصلی
موضوع
رده‌بندی کنگره
رده‌بندی دیویی
شماره کتابشناسی ملی



انتشارات لیوسا

■ نوبت چاپ: دوم ۱۴۰۳

■ تیراژ: ۱۰۰ نسخه

■ چاپ: چاپک

■ صحافی: چاپک

■ قیمت: ۱۳۰۰۰۰ تومان

■ نام کتاب: فریبکاری

■ نویسنده: برایان هال

■ مترجم: مرجان فرجی

■ ویراستار: حمیده رستمی

■ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۰-۲۴۳-۰



۶۶۴۶۶۹۵۹ - ۶۶۹۶۳۰۳۵



۳۰۰۰۲۴۰۰۴۲



www.nashreliusa.com



instagram.com/dorsaliusa

۶۶۴۶۴۵۷۷



www.dorsabook.ir



liusa@nashreliusa.com



telegram.me/dorsaliusa



خیابان انقلاب، بین خیابان وصال و قدس (جنب سینما سپیده)، کوچه اسکو،
پلاک ۱۲، طبقه همکف.
(کد پستی: ۱۳۸۷۳-۱۴۱۷۸)

فهرست مطالب

۶	مقدمه‌ی مترجم
۸	نگاهی به گذشته و حال
۱۱	مقدمه
۱۳	بخش اول:
۱۴	فصل ۱: فریبکاری
۲۰	فصل ۲: ویژگی‌های افراد فریبکار
۲۶	فصل ۳: راه‌های پیشگیری از فریبکاری
۳۰	وقتی دست فریبکار را می‌شود
۳۲	نکته‌ای که باید به آن دقت کنید
۳۳	فصل ۴: هوش هیجانی و فریبکاری
۴۰	فصل ۵: انواع فریبکاران
۵۲	فصل ۶: فریبکاری در روابط زناشویی
۵۴	چرا عاشق فریبکار به فریبکاری متوسل می‌شوند؟
۵۵	چرا ممکن است به قربانی تبدیل شوید؟
۵۶	همسر فریبکار با چه ترفندهایی...
۵۶	علائمی که باید گوش به زنگ آنها باشید
۶۶	فصل ۷: فریبکاری و دوستی‌های مسموم
۷۳	بخش دوم:
۷۴	فصل ۱: فریبکاری مثبت و منفی

فصل ۲: دوری از فریبکاری	۸۲
فصل ۳: فریبکاران هیجانی و هوش هیجانی	۹۳
فصل ۴: آیا انتقام جویی کار خوبی است؟	۱۰۶
فصل ۵: چگونه می توانیم قربانی رابطه ای	۱۱۴
فصل ۶: سروکله زدن با دوست فریبکار	۱۲۴
فصل ۷: جلوی دوست فریبکارتان دربیایید	۱۲۹
فصل ۸: برنامه ریزی عصبی - زبانی و فریبکاری	۱۳۷
نتیجه گیری	۱۴۳

www.ketab.ir

مقدمه‌ی مترجم

من اسم این کتاب^۱ را ترجمه کردم «فریبکاری». این واژه را از یک فرهنگ انگلیسی - فارسی درآوردم. می‌بایست چه کار می‌کردم؟ تقصیر من است که معنا را نمی‌رساند؟ اما از حق نگذریم به این درد که می‌خورد: کاربردی آسان در حالت قید: فریبکارانه. دست‌کم کار ما را راه می‌اندازد.

در زبان‌شناسی ما^۲ داریم به اسم «ریشه‌شناسی». من که عاشقشم. ریشه‌ی واژه‌ی «Manipulation» دو چیز است: «mani» (به معنای دست) و «pul» (یا «ful» به معنای پر). حالا چه ربطی به فریبکاری دارد، خدا داند. بنده که هنوز سردرگم‌ترم...

ولی اگر دست من بود، به جای فریبکاری می‌گفتم، «سوارکاری». چرا؟ چون در سرتاسر این کتاب، فریبکار - بنابه تعریف - کسی است که به نفع خودش از مردم سواری می‌گیرد.

مبادا به جای سوارکاری بگویید «الاغ سواری»، که خدای ناکرده به مردم برمی‌خورد. «الاغ» توهین محسوب می‌شود، ولی «سواری» واژه‌ای محافظه‌کارانه است. اما خوب، از لحاظ معنایی به هم نزدیکند.

سوارکار اسم بامسمایی است. به دو ریشه‌ی «دست» و «پر» هم

ربط دارد، چون دستِ سوارکار که خالی نیست؛ افسار مردم در آن قرار دارد. شاید هم این دو ریشه به این برمی‌گردد که فریبکار با سواری گرفتن از مردم دستش پر می‌شود!

عجب بهانه‌ای به دست فرهنگستان زبان دادم! [آقا چاکریم!] الان است که همه جا جار بزنند: «پیدا کردیم: دست پُرگری!» ولی من می‌گویم: «دست پُرگر خودتی و پدر و پدر جدّت! این هم شد اسم؟» این دست پُرگری... سوارکاری... فریبکاری... چه می‌دانم، اصلاً هر چه... به قدری رایج است که یک واژه‌ی جامع می‌خواهد، ولی نه آن قدر جامع است که یک واژه‌ی رایج می‌خواهد.

فعلاً همان فریبکاری کار ما را راه می‌اندازد.

آقا، مخلصیم!

مرجان فرجی

نگاهی به گذشته و حال

روزی کلاغی قالب پنیری دید

به دهان برگرفت و زود پرید

بر درختی نشست در راهی

که از آن می‌گذشت روباهی

روبه پرفریک و حبلیت ساز

رفت پای درخت آواز

گفت: به به چه زیبایی

چه سری، چه دمی، عجب پایی

پر و بالت سیاه‌رنگ و قشنگ

نیست بالاتر از سیاهی رنگ!

گر خوش آواز بودی و خوش الحان

نبودی بهتر از تو در مرغان

کلاغ خواست قارقار کند

تا که آوازش آشکار کند

طعمه افتاد تا دهان بگشود

روبهک جست و طعمه را برپود

روبه و کلاغ^۱، شعری از ژان دولافونتن^۲، حکایت نویسنده فرانسوی

قرن هفدهم با ترجمه‌ی حبیب یغمایی، که اگر یادتان باشد یکی از

درس‌های کتاب فارسی کلاس دوم دبستانمان هم بود^۱ و دیگر به خود شما بستگی داشت که چه درسی از این شعر می‌گرفتید؛ درس فریبکاری یا درس هشیاری در برابر فریبکاری. خود این کتاب هم مثل این شعر شمشیری دولبه است. مضمون هر دو هم یکی است [ولی من ایده‌اش را نگرفتم که آن را به اسم خودم جا بزنم]. می‌خواهم بگویم این شعر و شاعر و مترجمش چکیده‌ای ناب از همین کتاب است. شاید برای عده‌ای زیره به کرمان بردن باشد، چون در کلاس دوم دبستان خوب درسی گرفتند! این عده می‌توانند از این کتاب به عنوان واحد تکمیلی استفاده کنند. هرچه باشد، «در جهان اگر آدم‌های خودبسته‌ی نفهم نبود، یقیناً چاپلوسان گرسنه می‌مانند!»^۲ سایرین می‌توانند از نسخه‌ی جدید روباه و زاغ درس بگیرند:

زاغکی قالب پنیری دید
از همان پاستوریزه‌های سفید!
پس به دندان گرفت و پر واکرد
روی شاخ چنار مأواکرد
اتفاقاً از آن محل روباه
می‌گذشت و شد از پنیر آگاه
گفت: اینجا شده خشن تی وی!
چه ویوی! چه پرسپکتیوی!

۱. این شعر در اصل یکی از داستان‌های کتاب حکایت‌های ازوپ است که شاعر روسی، ایوان گریلوف، در قرن نوزدهم نیز آن را سروده و نخستین بار میرزاعلی اکبر صابر شاعر آذربایجانی دوره‌ی مشروطه، آن را به ترکی آذربایجانی ترجمه و به‌نظم درآورده است.
۲. ترجمه‌ی بیت آخر نسخه‌ی ترکی روباه و زاغ، اثر میرزاعلی اکبر صابر طاهرزاده.

محشری در تناسب اندام
 کشته‌ی تیپ توست خاص و عوام!
 دارم ام‌پی.تری آواز
 شاهکاری چون اعجاز
 ولی اینها کفاف ما ندهد
 ای به آواز شهره در دنیا
 یک دهن میهمان بکن ما را
 که سری از سخنوران این دوران
 زاغ بی وقفه قورت داد پنیر!
 آن همه کلیه کرد بی تأثیر
 گفت کوتاه کردی لطفاً!
 پاس کردم کلاس سوم
 گفتم که، به خودتان بستگی دارد. این کتاب را این شما.

مرجان فرجی

۱۳۹۸/۷/۲۰

مقدمه

واژه‌ی فریبکاری کاملاً با دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم عجین است. مردم از رسانه‌ها، روابط بین فردی و قدرت استفاده می‌کنند تا دیگران را فریب دهند. درواقع، روزی نیست که یک استاد فریبکاری سر راه مان سبب نفوذ. جالب اینکه به احتمال زیاد همه حتی یک‌بار هم شده در غموشان سعی کرده‌اند که با توسل به فریبکاری به خواسته‌شان برسند.

فریبکاری هنری است که آن را در دامن ما می‌آموزیم. برای نمونه، بسیاری از ما تا چیزی از پدر و مادرمان می‌خواهیم، به زیرگریه می‌زدیم. بیشتر ما چه خوش خدمتی‌ها که نکردیم تا به خواسته‌مان برسیم. فریبکاری می‌تواند عمدی یا غیرعمدی باشد. از فریبکاری می‌توان برای مقاصد خیر یا شر استفاده کرد.

در این کتاب، فریبکاری عمدی مدنظر ماست؛ استادان فریبکاری با مقاصدی خودمحور. این فریبکاران به‌طور معمول با باج سبیل، دوز و کلک، دروغ و سایر شگردهای موزیانه، مردم را به کاری که می‌خواهند وادار می‌کنند. استادان فریبکاری برای اینکه فکر، احساس و عمل افراد را تغییر دهند، از روش‌هایی خاص سود می‌جویند. مشکل اصلی در مورد فریبکاری، رفتارهای پنهانی و غیرقابل ردیابی برای قربانی است. دقیقاً به همین دلیل، بیشتر قربانیان به دسیسه‌های فردی فریبکار عادت می‌کنند و اوقیسر درمی‌رود.

هیچ کس مایل نیست به خصوص در کارهایی وارد شود که کوچک ترین اعتقادی به آنها ندارد و مورد سوءاستفاده قرار گیرد. خیلی خردکننده است که آدم از کسی رودست بخورد که به او اعتماد دارد. این می تواند اعتماد به نفس، عزت نفس و انرژی انسان را نابود کند. با این همه، فریبکار با روش ها و شگردهایی مخصوص به خود می تواند طوری از مردم سوءاستفاده کند که در عین حال احساس کنند اوضاع مرتب است. به همین دلیل برای ما مهم است که دست فریبکاران را بخوانیم و بتوانیم پیش از آنکه از ما سوءاستفاده کنند، آنها را شناسایی کنیم. اگر از قبل دُم به تله ی فردی فریبکار داده اید، باید هرچه زودتر خود را از دامی که برای تان پهن کرده است نجات دهید، وگرنه مثل همه ی انرژی، عزت نفس و قدرت اراده ی شما را می مکد.